هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



اگر از هر جهتی در کشور ما خرابی شود، کشورهای که در این جا حضور دارند در صف اول مسؤولیت قرار دارند.

*

انتخابات نباید به ابزاری برای سرکوبی و حق تلفی تبدیل شود

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم ۲۶ اسد ۱۳۹۲ ۱۰ شوال المکرم ۱۴۳۴ - 17 August 2013

د مصري پوځ لخوا د خپل ولس عام وژنه په کلکه غندو



◇ شفیق

د تیرې چهارشنبې په ورځ د مصر پوځ د دکتور مرسي په هغو پلویانو مظاهرینو او تحصن کوونکو گولۍ ووروليې؛ زغره والې موټري او ټینکونه او بلدوزرونه یې پرې وخیژول چې د خپل تروړل شوي حق څخه د دفاع په توگه یې په پر امنه توگه له یوې میاشتې څخه زیاتې مودې راهیسي خپلو احتجاجونو ته دوام ورکاوه. نږدې یوه نیمه میاشت وړاندې د یوې نظامي کودتا له لیارې د مصر منتخب ولسمشر دکتور محمد مرسي له واکه گوښه کړای شو چې د مصري ولس اکثریت لرونکی او تاکنې گټونکي گوند (الاخوان المسلمون) د خپل منتخب ولسمشر بیرته واک ته رسولو لپاره په پرله پسې مظاهرو پیل وکړ او ددې هوډ یې څرگند کړ چې د وینو تویولو په بیه به له خپل حق څخه دفاع وکړي چې تر دا مهاله لا د امریکا لخوا د مصري پوځ هغې کودتا ته کودتا نده ویل شوې چې د خپل ولس په ټکولو او ولسواکۍ ترورلو کې یې له هرې وسیلې څخه کار اخیستی دی.

د مرسي حکومت په نسکورولو کې د لویدیځ او امریکا په گډون د سعودي رژیم هم مرسته وکړه او د هغې څرگند ثبوت ددغه هیواد لخوا سملاسي نوي انتقالي حکومت ته پنځه ملیارده ډالر مرسته ورکول وو چې د حکومت په ړنگولو یې خوښي هم څرگنده کړې وه.

امریکا چې د نړیوالو د غولولو لپاره همیش د دموکراسۍ شعار زمزمه کوي، په مصر کې یې د پوځي کودتا په نه غندنه او په اړه یې مرگوني چوپتیا غوره کولو سره په دموکراسۍ ملنډې ووهلې او د دموکراسۍ د عورت په ښکاریدو لویدیځه دموکراسۍ بربنډه شوه او حقیقت یې نړیوالو ته ښکاره شو چې غرب او امریکا هر هغه نظام خوښوي چې د دوی جغ په اوږه وړي او غلامي یې مني؛ که هغه د دموکراسۍ له لیارې وي او که د کودتا او نظامي لیارې. د مصر په پوځي کودتا ډیرو هیوادونو نیوکې وکړې او مصري ولس او د ولسواکۍ له لیارې واک ته رسیدلي الاخوان المسلمون گوند ۲مخ

۹۴ مین ساگرد استرداد استقلال افغانستان بر همگان مبارک باد



بمنظور آگاهی از دیدگاه های برخی مردم؛

نخست وزیر ناروی یک روز تکسی رانی کرد



به قول رسانه ها، ینس استولتنبرگ نخست وزیر ناروی چندی پیش به صورت ناشناس به عنوان رانندهٔ تاکسی در اسلو، پایتخت آن کشور رانندگی کرد. در جریان یک روز راننده گی، وی صحبت های که با سواری های آن روز در تکسی اش انجام داده، توسط کمرهٔ مخصوص ثبت و فیلم ضبط شده بر روی صفحهٔ فیس بوک نخست وزیر گذاشته شده است.

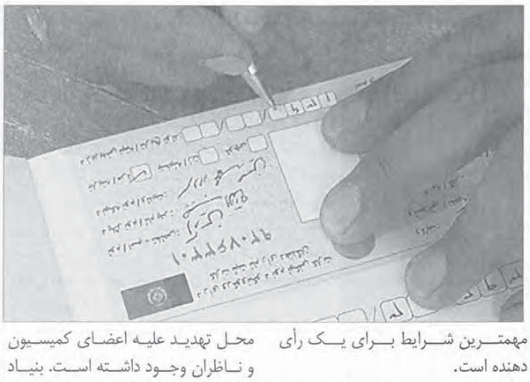
گفته شده قرار است از این فیلم در مبارزات انتخاباتی او در ماه سپتامبر استفاده شود. آقای استولتنبرگ به رسانه های ناروی گفته است که، شنیدن عقاید واقعی مردم برایش بسیار مهم می باشد.

اینکه آقای نخست وزیر خود را برای یک روز در مسند تکسی قرار داده، تا افکار برخی شهروندانش را از این طریق بخواند، عملی است پسندیده و این درسی ست برای برخی رهبران سیاسی، که در حصارهای بسته و فارغ از دید مردم با ترتیبات امنیتی شدید، از مردم فاصله گرفته اند. هرگاه رهبران سیاسی افغانستان روزی را اختصاص دهند و همانند نخست وزیر ناروی در شهر به گردش بپردازند، حتماً به چالش هایی خواهند برخورد که تصورش را نکرده باشند و در حل آن نیز اثر گزار خواهد بود.

یافت هایی فیفا:

صدها مورد تخطی و تقلب در روند ثبت نام رأی دهندگان

◇ اندیشه



چهارشنبه ۲۳ اسد ۱۳۹۲ بنیاد انتخابات آزاد و عادلانهٔ اعلام نمود که در دو ماه گذشته به ده هزار نفر بدون تشخیص هویت، کارت رأی دهی توزیع شده است.

این بررسی‌ها از مرحلهٔ اول توزیع کارت های رأی دهی، آمار بلند و بالایی از تخلف و تخطی ها در جریان ثبت نام رأی دهندگان را نشان می‌دهد.

فیفا می‌گوید که در دو ماه گذشته به ده هزار نفر در ۲۵ ولایت کشور بدون تشخیص هویت، کارت رأی‌دهی توزیع بدست آورده اند و موارد متعددی از توزیع کارت به افراد زیر سن، توزیع کارت در غیاب افراد و توزیع بیش از یک کارت هم دیده شده است.

بر اساس قانون انتخابات داشتن سن ۱۸ سالگی و داشتن تابعیت مهمترین شرایط برای یک رأی دهنده است.

جانداد سپین غر، مسؤول اجرایی فیفا گفته است که در در ۸۲ محل، ثبت نام افراد زیر سن و در ۲۸ محل دیده شده است که توزیع کارت ها در غیاب اشخاص ، در ۵ محل دیده شده، توزیع بیش از یک کارت و ۵ محل تهدید علیه اعضای کمیسیون و ناظران وجود داشته است. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه یافته است که نا امنی، روند توزیع کارت های رای دهی را در ۱۴ محل رای دهی ۹ ولایت افغانستان، مختل کرده که گشایش مراکز را با مشکل و یا تاخیر رو به رو ساخته است. ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

جهاد، استقلال، ادامهٔ آزادیخواهی

چیزی کم یک قرن از استرداد استقلال کشور عزیز ما می گذرد. مردم مسلمان و متدین افغانستان، در سه جنگ دلیرانه با امپریالیسم تبهکار انگلیس، کارنامه های تاریخی و ماندگاری را ثبت اوراق تاریخ این سرزمین نموده اند.

شکست فرمانروایان و معامله گرایی های آشکار و پنهان سردمداران قدرت، نتوانست جلو طوفان خشم مردم و احساس دلیری و مردانگی آنان را بگیرد و ده ها هزار مجاهد، به منظور رهایی از قدرت شیطانی امپریالیسم توسعه طلب و جهانخوار انگلیس، و رسیدن به حقوق انسانی خویش که همانا آزادی کامل در سطوح داخلی و خارجی از بیگانگان بود، مردانه به میدان هایی نبرد شتافتند و قهرمان آزادی طلبی در جهان و در این نقطهٔ آسیا گردیدند.

مردم قهرمان و آزادیخواه افغانستان، بخصوص پس از پذیرش اسلام و با الهام از تعالیم زندگی ساز و رهایی بخش اسلام، احساس دلیری و آزادیخواهی آنان چند برابر گردید و همواره در برابر زور گویان و متجاوزین خارجی، صف آرایی نمودند و قدرت بی پایان تجاوزگران را با همه زور و پول و امکانات، به خاک ذلت برابر کردند.

مردم افغانستان در همه جنگ ها بر ضد تجاوز گران مطابق دستور علمای کرام، پرچم جهاد را بر افراشته و به خاطر اعلای کلمهٔ الله سر بلند کرده و به میدان های نبرد شتافته اند . مردم ما این قیام هایی آزادیخواهانه و حق طلبانه را جهاد می نامند چون با نام درست و اصولی این قیام ها آشنایی کامل دارند و آن را مطابق شرع و قانون، جهاد و عاملان آن را مجاهدین می نامپدند. این نام و شعار بار دیگر در سال های قیام مردم بر ضد رژیم های کودتایی که قصد حملهٔ نظامی و اشغال کشور ما را از سوی امپریالیسم خونبار شوروی وقت داشتند بر زبان ها افتاد. در حقیقت همان نام و شعار و اصطلاح قرآنی است که باز هم مانند پدران و نیاکان ما و برگرفته از قرآن مجید، شهرت جهانی یافت و در همه رسانه ها نام مجاهد، جهاد و شعار ملکوتی الله اکبر که پس از سال های مبارزات سیاسی، فرهنگی در دوران سلطنت، گوش ها را نوازش می داد، در سال های جهاد و قیام بر ضد متجاوزین، بار دگر زمزمه افگند و گوش جهانیان را با این ندای ملکوتی آشنا ساخت.

پس شعار جهاد و مجاهدین و نعره های تکبیر آنانی که هنوز در اجتماعات و تظاهرات دارای عظمت و شکوه است، از میدان هایی نبرد و جهاد به سوی میدان های مبارزهٔ سیاسی راه یافت و هنوز هم شعار مجاهدین است و إن شاء الله تا قیام قیامت، ادامه خواهد یافت.

این نام و شعار قرآنی، از نام های پرافتخار مردان و زنان مجاهد افغان است که مردم ما در سال ها و قرن ها آن را ادامه داده و با نام آزادی گِره خورده است. شعار آزادی خواهی زنان و مردان افغان در سده های گذشته و امروز است و مردم ما مانند نیاکان خویش این نام و شعار قرآنی را به یاد دارند و به کار می گیرند. این نام، شعار وارداتی نیست، شعار قرآنی و ورد زبان همه مسلمانان دنیاست و مانند هورا هورا نابود شدن نیست که زمانی در جاده های افغانستان اجیران خارجی در مارش های گروهی و بعد دولتی، فقط هورا می گفتند و این شعار کثیف، غیر مردمی و وارداتی را تکرار می کردند.

مجاهدین افغانستان با استقلال و آزادیخواهی پیوند عمیق و گسترده دارند و در همه حال رفاه و آبادی کشور و رهایی از فقر، عقب مانی و اسارت داخلی و خارجی، در کنار حصول رضای خدا، برای آزادی و استقلال کشور خویش جهاد کرده و همواره در سنگر دفاع از آزادی وطن محبوب خویش قرار دارند. در حالی که مردم ما از کمک های بشر دوستانهٔ بعضی از کشور ها و سهمگیری آنان در پیشرفت و ترقی وطن، سپاس گزار اند، در برابر همه توطئه ها و دسیسه ها و پلان های شوم اشغالگران، هوشیار و بیدار اند و هرگز اجازه نمی دهند که بیگانگان در امور کشورشان مداخله کنند.

استقلال افغانستان

◆ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

بعد از جنگ جهانی دوم در کشور های مختلف جهان حصار حاکمیت به وجود آمد و کشور های جدید با مرز های جدید شکل گرفت و این حصار حاکمیت را سیادت ملی و تمامیت ارضی برای خویش خواندند. افغانستان در سال ۱۹۱۹ بعد از سه نبرد خونین استقلال خویش را به دست آورد. استقلال افغانستان انگیزهٔ خوبی گردید برای استقلال شبه قارهٔ هند.

باید گفت که استقلال افغانستان بستگی به نبرد مردم افغانستان در برابر بریتانیای کبیر است که بستر این آگاهی و استقلال خواهی به وسیلهٔ جریان مشروطه خواهان به وجود آمده است، که شاه امان الله خود از دست پرورده های جریان مشروطیت در کشور است. آنچه که پس از سال های استقلال افغانستان، سال روز ۲۸ اسد را با یک تشریفات خاص حکومت تجلیل می نمود و خنیا گران به ساز و سرود می پرداختند؛ در حالی که مردم شبانه گرسنه می خوابیدند.

بعد از سال ۱۹۱۹ افغانستان چند بار از سوی نیرو های خارجی به کمک عمال داخلی اشغال گردیده است. یک بار در سال ۱۳۵۷ این کشور استقلال سیاسی خویش را از دست داد و کشور ازسوی یک مشت هرزهٔ بی سواد به میدان تاخت و تاز آنها تبدیل گردید که نتیجهٔ آن اشغال افغانستان در ۶ جدی سال ۱۳۵۸ می باشد که به کمک مجاهدان و رهبری شهید پروفیسور ربانی این استقلال دوباره به دست آمد. بار دوم در میزان ۱۳۷۵ این کشور از سوی کشور همسایه به اشغال در آمد و زنده گی در افغانستان از حرکت و تپش باز ماند و مردم افغانستان حتا قادر نبودند تا مناسک دینی و ملی خویش را اجرا نمایند. در نتیجهٔ آن جریان مقاومت شکل گرفت و این کشور بار دوم به رهبری استاد ربانی استقلال خود را به دست آورد. استاد ربانی مانند صلاح الدین ایوبی که فاتح جنگ صلیبی در شرق میانه است، استاد مانند وی دوبار افغانستان را از اشغال نجات داد. هم اکنون در افغانستان ابر های سیاه و تیره افق آن را انباشته است و در صورتی که جلو این ابر های سیاه و مسموم کننده گرفته نشود، این احتمال وجود دارد که کشور بار دیگر آزادی و استقلال خود را از دست بدهد.

آزادی و استقلال یک امر الهی و طبیعی است که باید هر هموطن ما آن را گرامی دارد. یک روز غلامی و برده گی برای انسان آزاده برابر هزار سال خواهد بود. آزادی و استقلال نتیجه اش این است که باید از حریم آن در گام نخست پاسداری نمود و در جهت رفاه و آسایش خود و هموطنان گام های عملی برداشت.

آزادی و استقلال، در حقیقت سر افرازی، عزت و کرامت انسانی است. دین اسلام با برده گی، اسارت و انقیاد سر سازش ندارد. جای دارد که روز ها و سال های مبارزه در برابر آزادی و استقلال را همه ساله گرامی بداریم و به نسل های آینده، این آزادی را که مردم افغانستان میلیون ها انسان را در پی آن قربانی داده اند به طور سالم تحویل دهیم و از مزایای آن جوانان را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و دولت و ملت سازی می باشد، بسیار کم رنگ است. پس از استقلال مردم افغانستان در شرایطی که مردمان دور و نردیک ما دارای حیات مرفه بوده اند، کشور در حالت جهل و بی سوادی به سر می برد، در ولایات افغانستان و شهر های بزرگ، مردم از کلاه سرباز چنان می هراسیدند که امروز همان خوف را از مخالفان دولت دارند.

میان مردم و دولت فاصله زیادی وجود داشت. مردم از حکومت، فقط نام پادشاه را در سر داشتند و سیستم امنیتی در نزد آن ها فقط وسیلهٔ سرکوب محسوب می گردید. به طور نمونه در حکومت ۴۰ سالهٔ محمد ظاهر شاه حتی خطوط مواصلاتی پیشرفته میان ولایات و مرکز وجود نداشت که این مصیبت هم اکنون وجود دارد. هر آگاه سازیم؛ زیرا گفته اند که تاریخ عبرت آموز است. جای دارد که کریهه ترین چهره های تاریخ را نسل های جدید ما بدانند تا آینده گان راهی را که آنها پیموده اند، آنها نه پیمایند، در غیر آن در نظام طبیعت همیشه زور، جهل و نادانی مسلط خواهد بود. آزادی را وقتی مردم افغانستان به خوبی درک نمودند که در دشت های سوزان پشاور و در کمپ مهاجرت ایران و در کانتینر های غرب سال ها را به سر برده اند. از همین جهت است که امروز مردم از هر قوم و قبیله یی که هستند، آزادی را دوست دارند و هیچ چیزی را به بهای آزادی تعویض نمی نمایند؛ زیرا مردم افغانستان در برابر آزادی بهای سنگین داده اند و حاضر نیستند این در ثمین را به ساده گی از دست بدهند.

د مصري پوځ لخوا د خپل ولس عام وژنه په...

دغه عمل يوه پوځي کودتا وګڼله؛ نو ځکه يې خپلو مظاهرو ته دوام ورکړ چې د بشر د اساسي حقوقو له مخې دا حق ورته حاصل وو بيا پداسې حال کې چې يو منتخب حکومت د غلا دروازې (کودتا) له لیارې وپرزول شي.

مګر مصری پوځ د بشر د حقونو څخه په څرګنده توګه سرغړونه وکړه او د پر امنه مظاهرو خورول يې په مرميو ورلو او ټانکونو کارولو سره ترسره کړل؛ چې په نتيجه کې د النهضة او د رابعة العدوية مسجد په څنګ کې په تحصن ځايونو حملې وکړې او دوه زره او شپږ سوه مظاهره چيان يې شهيدان کړل؛ که چيرې د ملګرو ملتونو اداره په رښتوني توګه يو منځګړې او بې پرې اداره وي، بايد چې د مصر دفاع وزير او واک غلا کړي واکمنان د عدالت په نړيواله محکمه کې محاکمه کړي.

په اسلامي هيوادونو کې يوازې د ترکيې او ايران ولسمشرانو دغه عمل د ولس عام وژنه بللې او د بدو عواقبو پايلې لرونکی يې ګڼلي دي او د قطر هيواد هم دغه عمل په کلکه غندلی دی.

خو الاخوان المسلمون ګوند له خپل حق څخه په ټينګه او سربښندونو ولاړه دفاع سره تاريخ د خپل ځان کړ او بريالیتوب يې ترلاسه کړ؛ چې د خپل ځان په اړه يې وياړونه انځور کړل.

په مصر کې پر اسلامي شريعت ولاړ اساسي قانون او منتخب نظام څخه د (الاخوان المسلمون) د سوله خوښي ګوند، چې له خپلې واکمنۍ څخه د مصري فاشيستی نظاميانو لخوا د غلا د دروازې له لیارې (نظامي کودتا) سره ګوښه کړای شوی، ټينګه دفاع او پدې لیار کې د زرګونو په شمير کې ددغه ګوند د غړو سربښندنې د اسلامي امت لپاره د وياړ ځلی دی، پراخه اسلامي امت پرې وياړي او تاريخ به يې په خپله غيږ کې د سربښندونو حماسې د تل لپاره ياد ساتي. اسلامي امت پداسې حال کې چې د حق او اسلامی شريعت څخه د مصري اخوانيانو په سربښندونو وياړي.

له هغو پاکمنو او متينو ارادو لرونکو مصري اخواني ميرمنو څخه ستاي‌و چې د مصر د خپلواکې واکمنۍ او اسلامي هويت د ژغورنې لپاره له خپلو ورونو سره د کوچنې نيکمرغه اختر شپې هم له خپلو اولادونو سره يو ځای په تحصن ځايونو کې تيرې کړي او په تحصن ځايونو کې د پخيدونکو کلچو د رسنيو لخوا د تصويرولو پر مهال يې دې پيغام ليږه چې ستا دسيسې د مصري اخوانيانو ارادې نشي ايل کولاي او ربښتيا يې هم ثابته کړه چې په زرګونو شهادتونه يې ومنل او تاسو ته يې د شرم او بې ننګۍ ډکې غلامۍ نظامي خولۍ هماغسې په سر پريښودې، مرګ دې وي پر تاسو داسې نا خلفه پوځيانو چې په بې وسلې مظاهرينو ګولی وروی!! انشاءالله که په ژوند کې د الله سپاهيان تاسو ته در ونه رسيږي نو قبرونه به مو په مرګ والوزول شي.

بهار انتخابات افغانستان باید از زمستان مشکلات بگذرد

آنچه می خوانید نوشتهٔ قضاوت پوه فضل احمد معنوی رئیس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان است که روی چگونگی برگزاری انتخابات بهار سال آینده – ۱۶ حمل ۱۳۹۳ – و چالش هایی فراراه آن پرداخته است، این مقاله که در سایت بی بی سی نشر شده، نظر به اهمیت موضوع، «مجاهد» این مطلب را به نشر می سپارد. «اداره»







هوا و فضای برگزاری انتخابات در شرایطی دارد گرم تر می شود که ناامنی، جنگ، ترور و تهدید گوشه و کنار کشور را فراگرفته و بی باوری، ترس و نا امیدی زیر نام ۲۰۱۴ بر افکار عمومی سایه افگنده است.

خروج نیروهای بین المللی، انتقال مسؤولیت های امنیتی به افغان ها، اختلاف سیاسی بر سر پیمان امنیتی با امریکا، روابط تنش آلود با برخی از کشورهای همسایه، مبهم بودن روند صلح، بی باوری و بی اعتمادی میان دولت و هم پیمانان بین المللی اش، همه و همه تصور برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه را دشوار ساخته است.

اما با این همه برگزاری انتخابات یک امر حتمی و تغییر ناپذیر است زیرا بیرون شدن از وضعیت کنونی و دست یافتن به ثبات نسبی در عدم برگزاری انتخابات نا ممکن است.

اما چگونه انتخابات و تحت کدام شرایطی

نافذ شدن قوانین انتخاباتی برای برگزاری انتخابات خوشبینی های زیادی را در سطح ملی و بین المللی به همراه داشت چون افغانستان پس از یک دهه تجربهٔ انتخاباتی، صاحب قوانین انتخاباتی شد. اما متأسفانه روند تصویب و توشیح قانون انتخابات و قانون تشکیل، صلاحیت و وظایف کمیسیون های انتخاباتی در یک فضای تنگ سیاسی تحت فشار سفارت های خارجی با شتاب و عجله انجام شد.

نتیجهٔ چنین روندی باعث شد که محتوای قوانین در عرصهٔ عملی نه تنها گره گشای مشکلات نباشد بلکه در مواردی به مشکلات بیافزاید.

تا نزدیک به یک ماه دیگر، ثبت نام نامزدان آغاز می شود. آمادگی های زیادی برای برگزاری انتخابات انجام شده است که از آن جمله می توان به تدوین و تصویت برنامهٔ عملیاتی انتخابات ۲۰۱۴ اشاره کرد.

با انفاذ قانون جدید انتخابات، تقویم انتخاباتی و شماری از برنامه های از قبل اجرا شده برای آمادگی‌های انتخابات، باید تغییر یابد. چنین تغییری وضعیت و حالت عادی پیشرفت روند را، به گونهٔ مختل خواهد کرد.

تازه کار بودن تیم

بر اساس قانون جدید انتخابات، رهبری جدیدی برای کمیسیون مستقل انتخابات برگزیده شده است، اما فرصت بیشتری نیاز هست تا گروه جدید کاری بتواند بر همه ساز و کار انتخاباتی مسلط شوند و تصمیم های دقیق، حرفه‌ای و به موقع اتخاذ بدارند.

کارهای چشم گیری تا هنوز انجام شده است؛ اما چالش‌های فرا روی انتخابات نیز نگران کننده است. کمیسیون مستقل انتخابات در حال حاضر دارای یک برنامهٔ استراتژیک پنج ساله است. اصلاحات تشکیلاتی آمادهٔ تطبیق اند و در بسیاری از ولایات افغانستان، این کمیسیون یا صاحب دفتر است، یا هم ساخت و ساز دفترهای ولایتی ادامه دارد.

لوایح و طرزالعمل ها تصویب شده، تقویم انتخاباتی پیشاپیش اعلام شده، برنامهٔ عملیاتی آماده تطبیق است، فهرست مراکز رای دهی بررسی و پس از بررسی نیروهای امنیتی افغانستان، دوباره به کمیسیون انتخابات تحویل داده شده است و مرحله اول ثبت نام برای دوماه در مرکز های ولایات موفقانه به پایان رسیده است.

عملاً ثبت نام رای دهندگان در اکثر مطلق ولسوالی‌ها و نواحی شهرها، در حدود ۳۹۹ مرکز افزون بر ۴۱ مرکز قبلی جریان دارد. بودجهٔ برگزاری انتخابات از سوی کمک کنندگان تعهد شده و سند پروژه آمادهٔ امضا با جانب کمیسیون انتخابات است.

راه دشوار

اما کارهای مهم دیگری که در پیش رو است می‌تواند با دقت و تلاش، در زمان معین آن انجام شود.

در ۲۵ ماه سنبله/ شهریور، ثبت نام نامزدان ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی آغاز می شود که لایحهٔ چگونگی ثبت نام نامزدان قبلاً تدوین و تصویب شده است.

پس از ختم روند ثبت نام نامزدان، فهرست ابتدایی اعلام می شود تا اگر کسی علیه نامزدی شکایت داشته باشد، به کمیسیون شکایت های انتخاباتی رفته و شکایت خود علیه آن نامزد را درج کند.

بنا براین، موجودیت کمیسیون شکایات انتخاباتی ضروری است در حالی که تا هنوز چنین کمیسیونی تشکیل نشده و بر فرض اگر تشکیل نیز شود، وقت زیادی نیاز است تا کمیسیون شکایات انتخاباتی تشکیلات خود را کامل کند و به امور مربوط بپردازد.

دورهٔ تبلیغات انتخاباتی متعاقباً آغاز می‌شود که در این دور، کمیسیون انتخابات ضمن به راه اندازی برنامه‌های آگاهی عامه و نظارت از روند مبارزات انتخاباتی،کمیسیون رسانه ها به منظور نظارت و دیدبانی از عملکرد رسانه ها را ایجاد می نماید. همزمان ثبت نام رای دهنده گان تا دو هفته قبل از برگزاری انتخابات ادامه می یابد.

چالش‌ها، اول امنیت

اوضاع امنیتی به شدت نگران کننده است. اطمینانی را که نیروهای امنیتی از تامین امنیت مراکز رای دهی به کمیسیون داده است غیر واقع بینانه، مبالغه آمیز و گمراه کننده به نظر می رسد. تجربهٔ انتخابات گذشته نشان داده است که عدم برخورد واقع بینانه با موضوعات امنیتی، می تواند چالش های بزرگی را در انتخابات ایجاد نماید.

از سوی دیگر فرستادن صندوق‌ها و مواد انتخاباتی در مراکز رای دهی که امن نباشند و رای دهندگان نتوانند رای دهند، و ناظران انتخاباتی نیز فرصت دیدبانی را نیابند، می‌تواند باعث تخلف و تقلب جدی شود.

تکرار تجربهٔ تلخ گشایش به اصطلاح "مراکز خیالی"، آن گونه که قبلاً اتفاق افتاد و آرای غیر واقعی آن، سرنوشت انتخابات را تا پرتگاه یک بحران به پیش برد، این بار انتخابات ۲۰۱۴ عملاً ظرفیت بحران آفرینی و حاشیه سازی های بیشتر انتخاباتی را دارد.

چنین رویکردی نباید یک بار دیگر درد سر ساز شود. با آن که ضروری و منطقی می‌نماید تا انتخابات عمومی و سراسری باشد و مردم هیچ بخشی از کشور از حق رأی محروم نماند، اما به این قضیه باید به شکل واقع بینانه رسیدگی صورت گیرد نه آن طوری که سخنگویان نهادهای امنیتی می گویند.

از مجموع ۶۸۴۷ مرکز رای دهی، نیروهای امنیتی تنها از تامین امنیت ۲۵۹ مرکز اطمینان نداده اند، در حالیکه، رقم مراکزی که تحت تهدید شدید امنیتی قرار دارد به مراتب بیشتر از این رقم است.

در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۱۳۸۹ نیروهای امنیتی از مجموع هفت هزار مرکز رای‌دهی، حدود یک هزار مرکز رای‌دهی را نا امن اعلام کردند که از آن میان ولایت غزنی بیشترین شمار مراکز بسته شده رای‌دهی را در روز انتخابات داشت. در حدود ۱۳۰۰ مرکز رای دهی دیگر افزون بر شماری که از قبل نا امن اعلام شده بود، بسته ماندند و ۹۱ مرکز هم مورد حمله مخالفان قرار گرفت. در مجموع در انتخابات ۱۳۸۹ حدوداً ۲۵۰۰ مرکز بسته ماندند و عدهٔ از شهروندان افغانستان از حق رای دهی محروم شدند.

بنا بر این، مقایسهٔ آمار مراکز امن و نا امن انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ و انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی ۱۳۹۳ بر اساس گزارش نیروهای امنیتی کشور نشان می‌دهد که شمار مراکز نا امن در حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است. با در نظر گرفتن اوضاع امنیتی که بر همگان معلوم است، این سوال مطرح می شود که واقعاً چه معجزه ای صورت گرفته است که در آمار مراکز امن و نا امن این همه تفاوت به میان آمده است؟

چالش دوم زمان برگزاری

تاریخ مشخص شده برای برگزاری انتخابات، می تواند یک چالش دیگر باشد. انتخابات در بد ترین فصل سال برگزار می شود. تدارکات انتخابات با توجه به سرمای شدید دشوار است. مبارزات انتخاباتی در هوای سرد زمستانی کار ساده‌ای نیست. رای دهندگان به دشواری می توانند به مراکز رای‌دهی برسند. حضور ناظران سخت می‌شود.

ص۷

نبرد ارتش و اخوان المسلمین در مصر تازه آغاز شده است



تکساری

پس از یک سال حکومت اسلام گرایان به تاریخ سوم جولای، این حاکمیت در نتیجهٔ یک حرکت خیابانی مخالفان، که مشمول تکنوکرات ها، طرفداران حسنی مبارک رئیس جمهور اسبق مصر و سلفی ها به کمک سعودی ها و امارات متحدهٔ عربی، قبطی ها، احزاب لبرال و مخالفان این حکومت سر انجام ارتش مصر به بهانهٔ بازگشت به صلح و ثبات و استقرار، در نتیجهٔ یک کودتای نظامی حکومت موقت را تشکیل داد. تغییر در قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری از وعده های این حکومت موقت است. از آن تاریخ به بعد طرفداران حکومت اسلام گرایان به رهبری آقای محمد مرسی به تحصن خود، در اطراف دانشگاه قاهره و مسجد رابعهٔ عدویه و سایر مناطق و شهر ها ادامه دادند و خواهان بازگشت مرسی به قدرت گردیدند، که این حرکت تا هم اکنون وجود دارد. در زیر آفتاب سوزان زنان، مردان و اطفال در زیر خیمه های سوزان به تحصن خویش ادامه می دهند و خواهان بازگشت رهبر خویش به قدرت می باشند.

طی روزهای اخیر بیش از ۵۰۰ نفر کشته و یا زخمی گردیده اند و کشور مصر به سوی دو قطبی شدن به پیش می رود و با گذشت هر روز تنگ های خیابانی در این کشور زیاد شده است. به گفتهٔ تعدادی از تحلیل گران، نخستین دموکراسی محقق شده، پس از بهار عربی به سرعت رو به زوال می باشد و دولت مؤقت تمایلی به شنیدن سخنان مخالفان خود ندارد. آنچه که طرفداران آقای مرسی و روشنفکران اسلام گرای کشور های اسلامی و عربی را به خشم آورد، اظهارات اخیر وزیر خارجهٔ امریکا می باشد که کودتای نظامی در مصر را بازگشت دموکراسی در این کشور عنوان نمود.

طی هفته های اخیر، کنگرس امریکا، به شمول معاون وزیر خارجهٔ آن کشور (بل بیرنز) رئیس اتحادیهٔ اروپا، دپلومات های کشور های خلیج فارس فعالیت های دپلوماتیک خویش را به خاطر کاهش بحران در این کشور آغاز نمودند و در هفته اخیر نشستی در قاهره از این نماینده گان صورت گرفت، تا راه حل سیاسی این بحران را جستجو نمایند. برگزاری این نشست در شرایطی شکل گرفت که ارتش مصر به طرفداران مرسی هشدار دادند که به طور مسالمت آمیز کمپ های خویش را ترک نمایند، در غیر آن به سرنوشت سختی مواجه خواهند گردید. معاون وزیر خارجهٔ امریکا بلند پایه ترین دپلومات امریکایی پس از حکومت موقت در مصر است، که به این کشور سفر نموده است و به جناح های مختلف مصر گفتگو نموده است. جنرال سیسسی رئیس و رهبر کودتای نظامی از وخامت اوضاع آگاه گردیده و با تعدادی از رهبران اسلام گرایان دیدار و گفتگو نموده است. آنچه در قضیهٔ مصر در روز های آخیر، بالای اسلام گرایان تاثیر ناگوار گذاشته است، سخنان وزیر خارجهٔ امریکا است که به طور واضع حمایت اوباما را از کودتای ارتش نشان می دهد.

هشدار ارتش به رهبران اخوان المسلمین، نتوانسته است، تا آنها را از موضع شان تغییر دهند و آن ها را به خانه های خویش بر گردانند. طوریکه محاکمه تعدادی از رهبران اخوان المسلمین این حکومت روی دست گرفته است، تا آنها از خود نرمش نشان دهند؛ اما این حرکات هیچ کدام در موضع مخالفان تزلزل به وجود نیاورد و خونین ترین نبرد روز سه شنبه ۲۳ اسد میان ارتش مصر و اخوان المسلمین در خیابان های قاهره به وجود آمد که در نتیجه آن به گزارش اخبار بین المللی و شاهدان عینی، بالاتر از ۳۰۰ تن می باشد که مجروحان این درگیری را بالاتر از ۱۰۰۰ ها نفر نشان می دهد.

حکومت موقت جریان اخوان المسلمین را یک حرکت تروریستی عنوان کرد و روی این منطق به قتل عام مردم دست یازید، این تفکر تنها فرعونیان است که میلیون ها انسان کشور مصر را تروریست می خواند و می خواهد نظام فرعونی را در این کشور بازگرداند. این هجوم بی رحمانه ارتش بالای مردمان ملکی، خشم بسیاری را در داخل و خارج کشور به وجود آورده است، در داخل مصر قوی ترین حزب مخالف اخوان المسلمین حزب مصر نیرومند استعفای حکومت موقت را خواستار گردید، حزب نور جامعهٔ عرب و مخالفان اخوان المسلمین در داخل مصر این حرکت ارتش را محکوم کردند، ترکیه، آلمان و کشور های عربی آن را یک قتل عام توصیف کردند، هم اکنون مصر به سوی یک بحران تمام عیار به پیش می رود و پیشبینی ها چنین است که جنگ داخلی در مصر در حال شعله ور شدن می باشد. فعلا هیچ گونه مصالحه یی در مصر وجود ندارد، برگشت مرسی به قدرت تقریبا غیر ممکن گردیده است و ارتش حاضر نیست که با اخوان المسلمین سازش نماید و یا قدرت را با آن تقسیم نماید.

در نتیجهٔ این درگیری خونین، البرادعی معاون نخست وزیر موقت به عنوان اعتراض استعفا نمود و حکومت موقت حالت اضطرار را برای یک ماه اعلان گردید. مصر خونین ترین دوران حیات سیاسی خویش تجربه می کند. حکومت موقت مصر مصر یک چهرهٔ خشن و نظامی به خود گرفته است و همه چیز باید از زبان تفنگ و زور گفته شود. در شرایط کنونی بازیگری اصلی همان ارتش است، که بالاترین نیروی اقتصادی را نیز با خود دارد. فعلاً تمام تلاش ها به شمول فعالیت های دپلومات امریکایی و اروپایی، کشور های خلیج فارس و شیخ ازهر به شکست مواجه گردیده است. آنچه در این درگیری نصیب مصر خواهد گردید، فقط بد نامی ارتش، تخریب زیر ساخت ها، بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشور خواهد بود.

آیا طالبان آدرس دیگری را خواهند پذیرفت؟

راوی

نطاق وزارت خارجهٔ افغانستان طی یک کنفرانس خبری در کابل اظهار داشت که ما ترجیح می دهیم دفتر طالبان بجای قطر در ترکیه و یا عربستان سعودی گشایش یابد. جانان موسی زی این سخن را به جواب سوالی در مورد آیندهٔ مذاکرات صلح با طالبان اظهار داشت. سخنگوی شورای عالی صلح نیز از این پیشنهاد استقبال کرد.

شکی نیست که تلاش در جهت صلح یک اولویت تاخیر ناپذیر برای افغان هاست اما این اصل را باید در نظر گرفت که هر پروسهٔ صلح باید با توافق دوطرف درگیر شکل گیرد. برای این کار لازم است تا نخست طرفین جنگ مشخص گردند و سپس طرفین در مورد نظریات طرف مقابل در مورد صلح و خطوط قرمزی که طرف مقابل برای خویش مشخص کرده است، معلومات دقیق داشته باشند. این معلومات از آنجا مهم است تا زمانی که مذاکرات صلح آغاز می شود، در اجندای مذاکرات مسایلی در صدر قرار گیرند که مذاکره درمورد آنها کمتر چالش برانگیز باشد و در نتیجه میان دو طرف تا حدی روحیهٔ اعتماد بمیان آید؛ مسایلی که توافق روی آن نیازمند مذاکرات پیچیده و طولانی است، به مراحل بعد تر موکول گردد.

اینکه آقای موسی زی از لزوم تغییر آدرس طالبان از قطر به کشور دیگر سخن می گوید مثل اینکه این نکتهٔ مهم را فراموش کرده است که توافق بر سر دفتر قطر به این دلیل میان طالبان و امریکا صورت گرفت تا این دو جهت اصلی در جنگ افغانستان در قدم اول میان خویش به مذاکره بپردازند. مذاکراتی که در آلمان در سال ۲۰۱۱ میان نماینده گان طالبان و امریکا صورت گرفت، به همین هدف بود و در آن مذاکرات، نامی از حکومت افغانستان در میان نبود. اگر امریکا به طالبان می گفت که این دفتر به منظور مذاکره میان طالبان و حکومت افغانستان باز می شود، طالبان هرگز آنرا نمی پذیرفتند و امروز چیزی به نام پروسهٔ قطر وجود نمی داشت.

این نکته نیز قابل بحث نیست که در مذاکرات میان نماینده گان طالبان و امریکا در اسلو پایتخت ناروی نیز نامی از حکومت افغانستان در میان نبود و به همین دلیل زمانی که بعد از بازشدن دفتر قطر، امریکا به دلیل مخالفت حکومت افغانستان دستور داد تا بیرق طالبان فرود آورده شود، طالبان این دفتر را ترک کردند. اکنون که امریکا مجدداً با وساطت کشور های مختلف با طالبان در تماس گردیده و از آنان می خواهند تا به دفتر برگردند، طالبان در جواب گفته اند که یا امریکا بیرق و عنوان آنها را بپذیرد و یا فکر بازشدن دفتر قطر را از سر بدر کند.

وقتی طالبان حاضر نیستند پائین شدن بیرق شانرا بپذیرند، پس چگونه ممکن خواهد بود که با حکومت افغانستان به مذاکره بپردازند؟ وقتی طالبان حکومت افغانستان را طرف خویش در جنگ و در نتیجه در مذاکره نمی دانند، تقاضای حکومت افغانستان برای تغییر محل مذاکرات از جانب حکومت افغانستان، عجیب می نماید. در رابطه به اینکه کدام کشور می تواند بعنوان آدرسی برای طالبان انتخاب گردد، رهبر طالبان در سال ۲۰۱۰ خطوطی را مشخص کرد که بر مبنای آن طالبان قطر را بعنوان کشور میزبان انتخاب کردند؛ کشور میزبان مذاکرات باید کشور اسلامی باشد. در افغانستان نیروی نظامی نداشته باشد، کشور همسایه نباشد، و بعد از سال ۲۰۰۱ با طالبان دشمنی نکرده باشد.

ص۷



*نمایی از دفتر طالبان در قطر

دهۀ قدس؛ بازگشت به وجدان های خفتۀ بشریت است

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



بیت المقدس نخستین قبلۀ مسلمانان است؛ همان گونه که پیامبران بنی اسرائیل پیام وحی را در این سرزمین به مردم ابلاغ داشته اند. سرزمین های مقدس؛ به ویژه فلسطین همواره مورد نزاع بین مسلمانان و صهیونست ها قرار داشته است و جنگ های خونین میان مسلمانان و یهود بعد از استقرار اسلام صورت گرفته است، که مهم ترین این جنگ، جنگ های صلیبی است که ۲۰۰ سال را در بر گرفته است. در این جنگ صهیونست ها تلاش ورزیدند، تا مناطق تاریخی و مقدس را از تسلط مسلمانان جدا ساخته و شامل پیکرۀ سرزمین های خویش سازند. با تمام تلاش ها، صهیونست ها قادر نگردیدند تا این مناطق مقدس را از پیکره و قلمرو سرزمین های اسلامی جدا سازند. کوفه، دمشق، بیت المقدس شامل این جنگ های خونین است، که طی ده ها سال مردم شاهد آن بوده اند، تا این که صلاح الدین ایوبی توانست بیت المقدس و سایر مناطق را فتح نماید و حاکمیت مسلمانان را بر این مناطق حاکم سازد، و ایوبی در این جنگ لقب فاتح جنگ صلیبی را به خود گرفت.

اندیشه های سرزمین واحد و حکومت واحد در قلمرو افکار صهیونست ها، همواره وجود داشته است، تا اینکه در ختم جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م) امید سرزمین واحد به نام اسرائیل در سرزمین های فلسطین و بیت المقدس برای آنها نظر به شرایط پیش آمده فراهم گردید. در ختم جنگ جهانی دوم که امریکا و اسرائیل و سایر کشور های اروپایی در این جنگ دست بالا داشتند صهیونست ها را در سرزمین فلسطین اسکان دادند و نامش را گذاشتند اسرائیل. بعد از اشغال سرزمین بیت المقدس به وسیلۀ قدرت های زور و زر و استعماری، ساکنان اصلی این سرزمین، خانه، کاشانه، مزرع و مناطق آبایی خود را از دست دادند و به کشور های دور و نزدیک؛ به ویژه لبنان، اردن، سوریه، مصر و سایر کشور ها مهاجرت نمودند که از مهاجرت آنها بیشتر از ۶۰ سال می گذرد و از اشغال این سرزمین به وسیلۀ اسرائیل ۶۷ سال می گذرد و این حکومت دست نشانده ، از سوی امریکا، انگلیس، فرانسه و سایر کشور های اروپایی حمایت و پیشتبانی می شود.

در طول این مدت در خشونت و جنگ به سر می برند، ظرف بیش تر از نیم قرن قسمت های زیادی نه تنها فلسطین به مناطق مسکونی اسرائیل تبدیل گردیده است؛ بلکه قسمت های صحرای سینا مربوط مصر، بلندی های جولان مربوط سوریه و قسمت های از کرانۀ رود اردن در جنگ های آخیر (۱۹۶۸م) که به نام جنگ مثلث شهرت دارد، به تصرف اسرائیل در آمد. تا اینکه صحرای سینا در برابر به رسمیت شناختن اسرائیل به وسیلۀ مصر به این کشور دوباره تحویل داده شد؛ اما سایر مناطق عربی، کما کان در اختیار اسرائیل قرار دارد. باید گفت که مشکل فلسطین، خاک و سرزمین است، فلسطینی ها در آرزوی روزی نشسته اند که دوباره بتوانند به خانه و مزرع خویش باز گردند. ظرف این سال ها بار ها برنامه های صلح میان اسرائیل و فلسطین به طور فرمایشی از سوی امریکا و غرب به راه انداخته شده و بدون نتیجه پایان یافته است.امروز فلسطین از همه جهات در محاصرۀ اسرائیل قرار دارد و جز معبر رفح که به مصر راه مرزی دارد، دیگر هیچ راه مواصلاتی این سرزمین با هیچ یک از کشور های دنیا وجود ندارد و تمام راه های دنیا به روی فلسطین بسته میباشد. بار ها یگانه مسیر ارتباط این سرزمین با دنیای خارج از طریق رفح مسدود گردیده و قیودات بر آن وضع گردیده است.

شهر غزه که بزرگ ترین شهر فلسطین است از چهار استقامت در تیر رس تفنگ داران اسرائیل قرار دارد. این شهر که مرکز شاخۀ نظامی جنگجویان و مبارزان فلسطین است، بار ها در محاصرۀ شدید اسرائیل قرار گرفته و ورود همه کالا های ضروری را به روی این سرزمین بسته است. حتاً برای ورود مواد غذایی و دوا به این شهر، قیودات وضع نموده است. بار ها اسرائیل کمک های بشر دوستانۀ کشور ها در خطوط آبی فلسطین که به رفح منتهی می گردد مورد هجوم قرار داده است؛ طوریکه چند سال قبل کاروان کمک های بشری از سوی ترکیه در آب های فلسطین توقف داده شد و هفت تن از امداد رسان این کشور را به قتل رساند، که از آن تاریخ به بعد روابط اسرائیل و ترکیه در مقاطع مختلف به نقطه صفر رسیده است. امروز هزاران مبارز فلسطینی در زندان های اسرائیل به سر می برنند و کاروان های مواد غذایی و دارو از سوی اسرائیل همه روزه مورد بازرسی قرار می گیرد و به اندازۀ معین اجازه داده میشود، تا کالا های ضروری و خوراکی به فلسطین وارد گردد. اشغال فلسطین و قدس بعد از جنگ جهانی دوم وجدان بشریت را نا آرام ساخته است. خشونت میان فلسطین و اسرائیل از خونین ترین حوادث قرن ۲۰ است که این تراژیدی به قرن ۲۱ با همان شدت خود وجود دارد. در این مدت بیشترین رهبران فلسطین؛ به ویژه رهبران حماس که شاخۀ نظامی علیه اسرائیل است، به دستور این رژیم کشته و بسیاری از مبارزان این شاخۀ نظامی در زندان های اسرائیل به سر می برنند.

امروز تلاش وجود دارد که دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم زنده گی نمایند و هر دو از سوی یکدیگر به رسمیت شناخته شود؛ اما راه رسیدن به این هدف خیلی دشوار و نیاز به همکاری های دلسوزانه کشور های متحد اسرائیل دارد. قبل از آنکه فلسطینی ها اسرائیل را به مثابۀ یک حکومت قانونی بشناسند، باید میلیون ها آوارۀ فلسطین به سرزمین های خویش بر گردند و تمام زندانیان فلسطین از زندان رهایی یابند.

یکی از شروط ادامۀ مذاکرات میان اسرائیل و فلسطین توقف شهرک سازی در قدس شرقی و سایر مناطق مربوط به فلسطین است که با وجود تلاش های بعضی از کشور ها این شهرک سازی و اسکان یهودیان به این سرزمین ادامه دارد و اسرائیل حاضر به عقب نشینی از کرانه های رود اردن، جولان و سایر مناطق قدس نمی باشند و اسرائیل تا اکنون هیچ گونه قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد را مبنی بر توقف شهرک سازی و خروج مناطق اشغالی نه پذیرفته است.

در شرایط موجود یک نوع تضاد منافع میان هر دو گرو متخاصم وجود دارد و احتمال یک صلح پایدار و تفاهم و شرایط زنده گی مسالمت آمیز بین اسرائیل و فلسطین بعید به نظر می رسد. دهۀ قدس، دهۀخاطره و یاد وجدان های فراموش شدۀ بشریت است. یاد آوری از دهۀ قدس، یاد آوری از آزادی و انسان آزاد است. امروز فلسطین و قدس به صورت کل در بند و زندان اسرائیل به سر می برد و مجال تنفس را از این مردم گرفته است. به امید روزی که سرزمین قدس از دست اشغال گران پاک و صاحبان اصلی این سرزمین به کشور شان باز گردند. بدون شک تا زمانی که مردم فلسطین به قدس به اهداف خویش دست نیابند، هر نوع سازش و معامله این آتش را که در این سرزمین شعله ور شده است، خاموش نخواهد ساخت.

بهار انتخابات افغانستان باید از زمستان مشکلات...

آمار دقیق از جمعیت وجود ندارد، تعداد رای‌دهندگان مشخص نیست. کارت های توزیع شده در انتخابات قبلی از شمار جمعیت کشور بیشتر می شود و این خود یک دردسر بزرگ برای برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه است. بانک اطلاعات، که اطلاعات همه داوطلبان رای دهی را شامل شود وجود ندارد.

البته کمیسیون مستقل انتخابات دو بار طرح های جامعی برای تهیۀ فهرستی از رای دهندگان سراسر افغانستان را تهیه کرده که متاسفانه بنا بر ملحوظات سیاسی و تکنیکی مورد حمایت دولت و جامعۀ جهانی قرار نگرفت.

نبود احزاب قوی در کشور و مداخلۀ زورمندان در روند انتخابات خود می‌تواند در عدم انسجام امور انتخاباتی تاثیر گذار باشد. برجسته بودن محورهای قومی، تنش های غیردموکراتیک بین اقوام و گروه ها و رقابت های ناسالم حزبی، گروهی و تنظیمی از چالش های دیگری است که باید بر آن مکث کرد.

چالش سوم عدم سیستم نظارتی

نبود یک سیستم کارا و دقیق بانکی که همزمان قابل اعتماد نیز باشد، کنترل و نظارت بر مصارف مالی، کارزار تبلیغاتی انتخاباتی نامزدان را مشکل ساخته و این وضعیت می‌تواند زمینۀ نفوذ و مداخلۀ کشورهای همسایه و خارجی را به گونه‌ای مساعد بسازد. مسألۀ باز بودن مرزها و حضور میلیونی مهاجران افغانستان در کشورهای همسایه و توقع آن ها برای شرکت در انتخابات نیز جایی برای بحث دارد.

ممانعت و یا هم محدود ساختن حضور اشخاص مسلح غیرقانونی و یا گروه های مسلح غیرمسؤول در سمت های انتخابی، بر اساس قانون انتخابات، با توجه به مسلط بودن افراد مسلح در سطوح مختلف کشوری، از معضلات جدی انتخابات در دوره های قبل بود که به عنوان یک چالش همچنان باقی است.

ساختار های انتخاباتی توانایی تصفیه و خارج ساختن اشخاص صاحب زور و نفوذ را از فهرست نامزدان نداشته و امیدواری های فراوانی نیز وجود ندارد که با توجه به شرایط موجود چنین کاری انجام شود.

چالش سوم ساختار کمیسیونها

ساختار کمیسیون شکایات انتخاباتی به شکل دایمی و موازی به کمیسیون انتخابات و عدم پیش بینی میکانیسم های برای حل منازعات میان کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی از مشکلات عمده‌ای است که حتماً بروز خواهد کرد. تصمیم نهایی را در مورد نتیجۀ انتخابات، کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گیرد در حالی که کمیسیون انتخابات موظف به تصدیق و اعلام آن است. سوال این است که اگر کمیسیون انتخابات نتایج انتخابات را بنا بر دلایلی اعلام نکرد، راه حل چه خواهد بود؟

در اسناد حقوقی چیزی در چنین مواردی پیش بینی نشده است. در همچون مواردی اگر اعضای کمیسیون ها وابسته گی های خاص خودشان را به طرف های مختلف داشته باشند، وضعیت می‌تواند تا مرز بحران به پیش برود.

شمارش آرا در مراکز رای دهی از چالش های دیگر فرا راه کمیسیون است، که متاسفانه در دو انتخابات گذشته نتیجۀ مطلوبی به دست نداده است. شمارش رای ها در مراکز رای دهی بحث قرنطین صندوق های مشکوک را منتفی می سازد و ایمن بودن صندوق ها را از بین می برد. به هر حال بسیار مهم است که نهاد های انتخاباتی بتوانند در جریان برنامه ریزی و در حین اجرای برنامه های عملیاتی روند انتخابات، فارغ از هر دغدغه‌ای سیاسی و سیلقه‌ای بی طرفی و استقلال خود و نهاد را حفظ نمایند و شایستگی حرفه‌ای خویش را به اثبات برسانند.

افغانستان پس از ۲۰۱۴
چرا صفر یک گزینه نیست؟

هفته نامهٔ اکونومیست ۲۰ جولای ۲۰۱۳ / برگردان: مسعود اندیشمند

اگر دولت های افغانستان و امریکا واقعاً به مردم عادی افغانستان اهمیت می دادند، حامد کرزی و بارک اوباما (درین موقعیت حساس) شانه به شانه در کنار هم می ایستادند و به مردم هنگامی که بخش عمده ای نیروهای رزمی امریکا تا پایان سال ۲۰۱۴ کشور را ترک می کنند، در جهت تأمین امنیت شان اطمینان خاطر می دادند. ولی به جای آن، مشاجره میان آنها فضا در افغانستان را مسموم می کند که پیامد های بالقوه ای فاجعه آمیز را با خود خواهد داشت.

علت آنی این نزاع افتتاح نادرستِ دفتر سیاسی طالبان ماهِ گذشته در دوحه بود. روشن نیست که چه کسی در افتتاح دفتر مذکور به عنوان دفتر سفارت "امارت اسلامی افغانستان" و افراشتن پرچم آنها مقصر است. اما آقای کرزی بصورت غیر منصافانه و به سرعت امریکا را در مورد روندی صلحی متهم کرد که قرار بود با رهبری افغانستان انجام شود. او خشمگینانه مذاکرات بر سر توافقنامهٔ دوجانبهٔ امنیتی برای نگهداری یک عده از نیروهای امریکایی در افغانستان را پس از ترک نیروهای رزمی امریکا به کشورشان به تعویق انداخت. یک کنفرانس ویدیویی با آقای اوباما بخاطر رفع این مشکل به ناکامی انجامید. پس از آن، کاخ سفید با برافروختگی اشاره نموده است که سرعت برنامه ریزی شدهٔ کاهشِ نیروها ممکن به شتاب انجامد و همچنان امکان واقعی این وجود دارد که هیچ نیروی به هیچ وجه پس از ۲۰۱۴ در افغانستان باقی نخواهد ماند – "گزینه ی صفر."

هردو سو مواضعی را در پیش گرفته اند که خطر صدمه زدن به آنچه که باید اهداف واقعی شان باشد را در بردارد. از نقطهٔ نظر افغانستان، این پیمان دو جانبه با امریکا در مورد وضعیت " توافقنامهٔ نیروها" با ناتو باید ثبات اساسی را تضمین کند، قسمی که این توافقنامه نقش و موقعیت حقوقی نیروهای بین المللی را پس از ۲۰۱۴ تعریف می کند. در حال حاضر نیروهای امنیت ملی افغانستان جنگ در برابر شورشیان را در تمام نقاط کشور خودشان رهبری می کنند، و آنها از عهدهٔ کار خود به خوبی بر می آیند. ولی با این حال، آنها هنوز در تدارکات، حمایت هوایی، اطلاعات، تخلیهٔ پزشکی (انتقالِ بیماران) و برخورد با مواد منفجرهٔ دست ساز نیاز به کمک دارند. محروم نمودنِ سربازان افغان ازین کمک هابه روحیهٔ آنها صدمه خواهد زد در حالی که این وضعیت طالبان را تشویق می کند تا برین باور باشند که زمان را به نفع خود دارند. ولی این به آن معنی نیست که طالبان کشور را دوباره در تصرف خود خواهند آورد – تعداد آنها برای تصرف دوبارهٔ افغانستان خیلی کم و ناموثر اند. اما آنها ممکن برای گرفتن دوبارهٔ بخش های بزرگی از جنوب و شرق کشور خود را آماده بسازند و یاری القاعده دوباره بذر جنگ داخلی دیگری را افشانند.

هیچ یکی ازین پیامد ها ابداً به سود غرب نخواهد بود. با این حال، ترکیبی از پیش بینی غلط و سرخوردگی دو جانبه (در روابط بین این دوکشور) امکانِ بوجود آمدن چنین حالتی را دارد. در عراق برای رسیدن به یک توافقنامهٔ امنیتی مشابه به همین توافقنامه که به ناکامی انجام شد منجر به خروج ناگهانی و زود رسِ تمام نیروهای امریکایی گردید.

مشکل این است که آقای کرزی و آقای اوباما هردو براساس اغراض سیاسی خود بازی می کنند. بسیاری از هواداران اوباما خوشحال خواهند شد اگر تمام قوای امریکایی همین دیروز به خانه می آمدند. بسیاری از امریکایی ها موافق به درک واقعی پیشرفتی که ناتو -گرچه با سختی- به افغانستان آورده است نمی باشند و خطری را که طالبان خواهند آورد را دست کم گرفته اند.

جایگاه آقای کرزی (درین قبال) پیچیده تر است. اگرچه به نظر می رسد که آقای کرزی به قانونِ اساسی افغانستان نمی خواهد با تلاش نامزد شدن در انتخابات آیندهٔ افغانستان که قرار است ۵ اپریل سال ۲۰۱۴ برقرار گردد، توهین کند، ولی وی نا امیدانه دنبال راه های بخاطر حفظ آنچه که وی به عنوان میراث خود می داند به شمول تامین منافع فامیلش و قادر به این باشد که وقتی وی ریاست جمهوری را ترک کند بتواند در کابل مصئون باقی بماند. تا به حال آقای کرزی در پیدا نمودن یک جانشین ناکام مانده است، منتقدان نگرانی دارند که کرزی یک بحران سیاسی را راه اندازی نموده تا یک بهانهٔ را برای به تعویق انداختن انتخابات ارائه کند.

آقای کرزی باید این بازی را متوقف کند. پایان مهلت توافقنامهٔ امنیتی ماهِ نوامبر هم خیلی نزدیک است که بسته شود. گفتگو ها باید دوباره راه اندازی شود و آقای کرزی باید در مورد آنچه که امریکایی ها می توانند وعده بدهند واقع بین باشد. تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هم باید حفظ شود. این هفته پارلمان افغانستان قانون انتخابات را که یک گام مهم بسوی انتخابات شفاف تلقی می شود را تصویب کرد و آقای کرزی آن را توشیح نمود. اما هنوز خیلی زود است که در مورد پیاده سازی این قانون مطمئن بود. اهدا کنندگان کمک های خارجی که در سال ۲۰۱۲ تا چهار سال متواتر متعهد به کمک نمودنِ ۱۶ میلیارد دلار شدند، باید آقای کرزی را یادآور شوند که یک انتخابات عادلانه هم برای جایگاه تاریخی اش و بخاطر حمایت بیدریغ تمویل کنندگان خیلی مهم است.

آنچه که به آقای اوباما مربوط است وی باید به زودی اندازهٔ "آموزش و توانمند سازی" نیروهای که وی قصد دارد در افغانستان پس از ۲۰۱۴ بماند، را اعلام کند. لازم نیست که تعداد این نیروها خیلی زیاد باشد – جنرال های مطلع امریکایی از ۱۲۰۰۰ نیرو کمتر را ترجیح نمی دهند ولی نه بیش از ۲۰۰۰۰ نیرو که متحدان ناتو حدود یکِ سومِ این سربازان را فراهم می کند. شکیبایی و پشتکار در حال حاضر یقیناً بارِ مسؤولیتی ست که ارزش بردباری آن بخاطر تضمین نسبتاً پایدار آیندهٔ افغانستان را دارد: یک تضمینی که افغانستان هرگز دوباره پایگاه تروریست های بین المللی نشود.

مصاحبهٔ جالب جان کری با تلویزیون «جیو»



ابوبکر سبزوار

جان کری وزیر خارجهٔ امریکا شخص جالبی است. این مرد که اکنون وزیر خارجهٔ امریکاست در جوانی در جنگ ویتنام شرکت کرد اما بعدا به گروه افراد ضد جنگ پیوست که از وی یک چهرهٔ ضد جنگ در اذهان مردم امریکا ترسیم کرد.

او مدت ۲۰ سال سناتور از ایالت ماساچوست و مدت طولانی رئیس کمیتهٔ روابط خارجی مجلس سنای امریکا بود. در سال ۲۰۰۴ از جانب دیموکرات ها کاندیدای ریاست جمهوری در برابر جورج بوش گردید که شکست خورد و در دورهٔ دوم ریاست جمهوری اوباما بحیث ۶۸ مین وزیر خارجهٔ امریکا جانشین خانم کلنتن گردید.

گفته می شود که وی روابط خوبی با رئیس جمهور کرزی ندارد. او حتی کرزی را رئیس جمهور بقدرت رسیده از راه تقلب هم خوانده که حامدکرزی هیچگاه وی را بخاطر این سخنانش نبخشید.

هفتهٔ گذشته جان کری سفری به پاکستان داشت و با مقامات این کشور در مورد مسایل مورد علاقه بخصوص روابط استراتژیک میان واشنگتن و اسلام آباد بحث و تبادل نظر نمود.

رسانه های پاکستانی به این سفر اهمیت زیادی قایل شدند و شبکهٔ تلویزیون جیو مصاحبهٔ اختصاصی با وزیر خارجهٔ امریکا داشت. از همه جالب تر، سوال در مورد موضوع کودتای نظامی مصر و تحولات اخیر در این کشور بود که وزیر خارجهٔ امریکا را در موقعیت نامساعدی قرار داد.

حامد میر خبرنگار جیو در آغاز مصاحبه و در شرایطی که جان کری انتظار داشت تا به سوال در مورد روابط استراتژیک میان امریکا و پاکستان مواجه شود، او را در برابر این سوال غیر منتظره قرار داد:

در مصر کودتای نظامی صورت گرفته و یک حکومت مشروع و منتخب مردم را سرنگون کرده اما امریکا تاکنون این تغییر را کودتا نخوانده است، از نظر شما این تحول یک کودتا نیست؟

خبرنگار با شگرد ماهرانه، سوال را از نقطهٔ ضعف امریکا آغاز کرد و همین سوال موجب شد تا وزیر خارجهٔ امریکا در موقعیت دشواری قرار گیرد و تا پایان این مصاحبه، حتی در مورد سوالات بعدی نیز تحت تاثیر همین ضعف باقی بماند.

کیری در جواب گفت که میلیون ها مردم مصر از نیروی نظامی این کشور خواهان تغییر گردیدند و نیروهای نظامی مصر هم به این خواست مردم جواب مثبت دادند!

خبرنگار از وی پرسید که پس کشتن مردمی که در خیابان ها دست به تظاهرات مسالمت آمیز زده و بدست نیروهای نظامی کشته شده اند نیز باید بعنوان خواست مردم از نیروهای مسلح مورد قبول قرار گیرد!!

جان کری با دست و پاچگی تلاش کرد تا به جواب خویش سروسامان ببخشد و گفت که کشتار غیرنظامیان در حال تظاهرات صلح آمیز به هیچ صورت قابل قبول نیست و ما هرگز این عمل را تائید نمی کنیم!

این تناقض در گفتار کری نشان از دست داشتن مستقیم امریکا در توطئهٔ کودتای نظامی در مصر و براندازی حکومت مرسی داشت. ناگفته پیداست که وقتی نقش اردوی یک کشور در براندازی یک نظام دیموکراتیک را برسمیت می شناسید، کشتن مخالفین که لازمهٔ هر کودتای نظامی است، نباید زیاد مورد اعتراض باشد. از طرف دیگر این موقف امریکا نشان می دهد که کودتاگران قبل از دست زدن به کودتا، با مقامات امریکائی در این مورد مشورت کرده بودند اما کری سعی کرد تا بخشی از کودتا را مشروع و بخش دیگر را نامشروع جلوه دهد تا هم نظامیان از وی راضی باشند و هم مخالفین کودتای نظامی و اما این تلاش وی بی ثمر بود.

مردم جهان از طریق رسانه های تصویری دیدند که چه تعداد از مردم در میدان تحریر به نفع کودتا و چه تعداد به حمایت از اخوان المسلمین در میدان رابعهٔ عدویه و سایر میدان ها در سراسر کشور مصر اجتماع کرده بودند. بر هیچکس پوشیده نیست که اجتماع هواداران مرسی با جمع ناچیز حامیان کودتا به هیچ صورت قابل مقایسه نبود؛ وقتی یک جمعیت چند هزار نفری در مخالفت با یک حکومت منتخب مردم، با اجتماع خویش در یک میدان می تواند به کودتای نظامی، بیشتر از حکومت بمیان آمده با رای ده ها میلیون رای دهنده مشروعیت ببخشد و امریکا هم آنرا تائید می نماید، این سوال جای مطرح شدن دارد که تعریف امریکا از دیموکراسی در کشور های اسلامی چیست؟

گفتیم که این سوال خبرنگار، جان کری را در موقعیت نامساعد قرار داد و بعد از آن حامد میر از کری در مورد حملات طیارات بی سرنشین امریکا به مناطق قبایلی پرسید. کری گفت که حملات طیارات بی سرنشین به معنی دفاع از خویشتن توسط امریکاست و امریکا برای دفاع از خود در برابر القاعده، لشکر طیبه و شبکهٔ حقانی ناچار به استفاده از این حربه است. این گروه ها مسؤول کشتن امریکائی ها در داخل افغانستان اند.

این موضع امریکا به این معنی است که اگر یک کشور قدرتمند به بهانهٔ دفاع از خود به هر کشور ضعیفی حمله نماید، جامعهٔ جهانی باید این کار را بپذیرد. اگر بعنوان مثال افغانستان این موضع امریکا را بعنوان یک اصل قانونی بپذیرد، در آن صورت باید در انتظار چه تبعات منفی باشد؟

افغانستان از نظر نیروهای نظامی یک کشور ضعیف در منطقه بشمار می آید و اگر کشور های همسایهٔ ما به این بهانه که منافع شان از خاک افغانستان تهدید می شود، به بهانهٔ حمله به مراکز القاعده، گروه حقانی یا سایر تروریست ها با طیارات بی سرنشین (که اکنون این تکنالوژی در حال عام شدن است) به افغانستان حمله کنند، ما در همان موقعیتی قرار خواهیم گرفت که در برابر حملات موشکی پاکستان به مناطق مرزی کشور با آن مواجه هستیم.

اینکه چرا امریکا نمی تواند بر پاکستان بخاطر حملات به خاک افغانستان اعتراض نماید، تاحدی به حملات طیارات بی سرنشین امریکا به خاک پاکستان رابطه دارد. پاکستانی ها به امریکا می گویند که ما هم به همان دلیل به خاک افغانستان حمله می کنیم که شما به خاک ما حمله می کنید.

سوال دیگر از جان کری در رابطه به خانم عافیه صدیقی بود که سالهاست بجرم رابطه با القاعده در امریکا زندانی است. موضوع داکتر عافیه صدیقی از موضوعات مهم در اذهان مردم پاکستان بوده و موجب تقویت بیشتر احساسات ضد امریکائی شده است. جان کری در جواب به این سوال گفت که، موضوع خانم صدیقی یک مسئلهٔ حساس در نزد امریکائی هاست و در حال حاضر برنامه ای برای آزاد ساختن یا سپردن وی به پاکستان وجود ندارد.

این موضع امریکا نشان می دهد که با سفر وزیر خارجهٔ امریکا رابطه میان پاکستان و امریکا در دو مورد دو موضوع مهم و حساس یعنی مسئلهٔ طیارات بی سرنشین و موضوع عافیه صدیقی حل نشده و به گفتهٔ کری، موضوع عافیه صدیقی در مذاکرات با مقامات پاکستانی حتی مورد بحث نیز قرار نگرفته است.

تقاضای پاکستان از امریکا برای کمک اقتصادی به این کشور بخصوص در سکتور انرژی، مورد قبول جان کری قرار گرفت در این مورد پاکستانی ها جواب مثبت شنیدند اما این مسئله با بهبود روابط استراتژیک میان دو کشور رابطه دارد. این روابط از سال ۲۰۱۰ بعد از حملهٔ طیارات امریکائی به یک پوستهٔ سرحدی پاکستان که در آن ۲۴ سرباز پاکستانی کشته شدند، به حالت تعلیق درآمد.

پس می توان نتیجه گرفت که رابطه میان امریکا و پاکستان با سفر کری به اسلام آباد تغییر زیادی نخواهد کرد و به همین دلیل نمی توان انتظار داشت تا پاکستان در رابطه به افغانستان در موضع خود تغییر چشمگیری وارد سازد.

موضوع افغانستان هم در دیدار کری از اسلام آباد مطرح بود اما کری در این مورد وعدهٔ جدیدی بدست نیاورد. پاکستانی ها یکبار دیگر به علاقمندی شان به تامین صلح در افغانستان تاکید کردند و از کمک های ممکن به این پروسه وعده سپردند. چیزی که در گذشته نیز بارها تکرار کرده اند.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض



۱۷ اسد:

• در روز عید، در اثر انفجار یک بمب در قبرستانی واقع در قریهٔ در ولسوالی غنی خیل ننگرهار نزدیک به چهارده غیر نظامی، که همگی زن و کودک بودند را به قتل رساندند. در این حادثه چهار غیر نظامی نیز زخم برداشته اند.

• به گزارش رسانه ها، سه شهروند چینی – دو زن و یک مرد – که برای کار در افغانستان اقامت داشتند توسط افراد نا شناس کشته و دو تن دیگر شان که نا پدید شده بود جسد آن ها نیز از کابل پیدا شده است.

۲۰ اسد:

• به گزارش رسانه ها، فضل احمد تولواک رئیس شورای صلح غزنی و ولسوال ولسوالی ده یک که در یک انفجار جراحت برداشته بود، در یکی از شفاخانه های هندوستان جان داده است.

• مسؤولین ولایت غزنی گفته اند که پسر و داماد سناتور بخت بی بی نمایندهٔ مردم غزنی در مشرانو جرگه در مربوطات ولسوالی مقر غزنی که در امتداد شاهراه کابل – کندهار موقعیت دارد ، مورد حملهٔ طالبان مسلح قرار گرفته است. به گفتهٔ معاون والی غزنی به رسانه ها، در این حمله دو فرد ملکی به شمول داماد بخت بی بی کشته شده، اما پسر بخت بی بی از سوی مخالفین مسلح ربوده شده است .

• مسوولین محلی در ولایت پکتیا گفته اند که عبدالجبار معاون اول رئیس ادارهٔ امنیت ملی ولایت پکتیا بر اثر انفجار بمب کنار جاده ای در منطقه جاجی آریوب به همراه دو محافظش زخمی شده است.

۲۱ اسد:

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، طی یک عملیات خاص یک تبعهٔ تاجیکستانی مربوط گروه حرکت اسلامی ازبیکستان و«۸» تن تروریستان را در مربوطات ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان بالفعل دستگیرنمودند.

• دو تن از ماین گذاران مشهور طالبان در ولایت فراه طعمهٔ بمب های دست ساز خود شدند. به گفتهٔ رسانه ها، این رویداد در میان مناطق "شوز" و "فراه رود" این ولایت رخ داده است. گفته می شود این دو فرد از مهندسان سرشناس ساخت ماین در ولایت فراه بوده اند.

• مقامات امنیتی در ولایت هرات گفته اند، طالبان مسلح در ولسوالی شیندند یک مکتب دولتی را در منطقه بازارچهٔ این ولسوالی به آتش کشیده اند و خسارت مالی زیادی به این مکتب وارد شده است. گفته می شود این آتش سوزی پس از آن رخ داد که یک روز پیش از آن، یک هیئت خارجی برای کمک رسانی به مردم محل به این مکتب آمده بود.

۲۳ اسد:

• به گفتهٔ مسوول مطبوعاتی قوماندانی امنیهٔ ولایت بغلان به رسانه ها، ماینی که در برابر موتر هایلکس محافظان احمد شاه رمضان نمایندهٔ مردم بلخ در مجلس نمایندگان در ساحهٔ سنگ سوراخ ولسوالی دوشی بغلان انفجار کرد موتر واژگون گردید و بر اثر آن، دو محافظ وی جان باخته و دو تن دیگر جراحت برداشته است. اما احمدشاه رمضان گفته است که هدف انفجار، سوء قصد به جان خودش بوده، که از آن جان به سلامت برده است. این عضو مجلس نمایندگان گفته است، موتر حاملش از ساحه گذشته بود که ماین در مقابل موتر تعقیبی او منفجر شد و بر اثر آن، دو محافظش کشته شد و چهار محافظ دیگر مجروح گردید. آنها از مزار شریف مرکز ولایت بلخ روانهٔ کابل بودند دو باره همراه با اجساد و مجروحین، به مزارشریف برگشته اند.

• مسؤولین غزنی با گذشت دو روز، تایید کردند که فریبا کاکر احمدی نمایندهٔ مردم کندهار در ولسی جرگه، دو روز قبل همراه با اطفالش در امتداد شاهراه کابل- کندهار در مربوطات ولایت غزنی، از سوی مخالفین مسلح اختطاف شد. منابع امنیتی غزنی گفته اند که اطفال کاکر، رها شده؛ اما تلاش های رهایی فریبا جریان دارد.

• مقامات پولیس در ولایت تخار به رسانه ها گفته اند که در اثر انفجار بمب در یک رستوران در خواجه بهاء الدین، یک تن کشته و ۱۲ نفر دیگر زخمی شده اند. به گفتهٔ پولیس تخار گفته که فرد کشته شده و چهار تن از زخمیان پولیس، و بقیه غیرنظامی هستند. یک مقام محلی گفته که بمب در زیر تخت غذاخوری جاسازی شده بود.

۲۴ اسد:

• به قول رسانه ها، بیش از۱۵۰۰ خانواده از هراس جنگ در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب، از منطقهٔ شان متواری گردیده و در حالت ناگوار به سر می برند. این وضعیت، پس از آن رونما گردید. به گفتهٔ مسوولان محلی، طالبان مسلح در اطراف ولسوالی غورماچ به هدف حمله برمرکز ولسوالی، تجمع نموده و به مردم هشدار داده اند که مناطق شانرا تخلیه کنند. خانواده های متواری شده گفته اند که با کمبود آب آشامیدنی و مواد خوراکه مواجه بوده و شرایط بدی را سپری می کنند. به گفتهٔ یکتن از باشندهٔ حومهٔ مرکز غورماچ، که با شش خانوادهٔ دیگر، به ولسوالی قیصار متواری گردیده گفته که در وضعیت ناگوار زندگی می نمایند.

صدها مورد تخطی و تقلب در روند ثبت نام...

خطر نا امنی را مسؤولان کمیسیون مستقل انتخابات پیش از این نیز تأیید کرده اند. مرحلهٔ دوم ثبت نام رأی دهندگان انتخابات پیش رو، اکنون در سراسر کشور جریان، دارد.

فضل احمد معنوی، رئیس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات نیز به تازگی گفته که اعلام آمادگی‌ها برای تأمین امنیت انتخابات از سوی مقامات امنیتی افغانستان، مبالغه آمیز بوده است.

وزارت داخلهٔ کشور تأیید کرده است که قادر به تأمین امنیت انتخابات در ۲۵۹ مرکز نیست.

مسؤولان کمیسیون انتخابات می‌گویند که در ولسوالی‌هایی که زیر حاکمیت دولت افغانستان نیست و طالبان در آن نفوذ دارند، مشکلات امنیتی فوق العاده وجود دارد.

نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که مشکل ناامنی سبب شده که تا کنون دوازده محل ثبت نام در دوازده ولسوالی باز نشود.

اما او در مورد متباقی یافته‌های گزارش فیفا می‌گوید: "من موافق نیستم که راپورهای این نهاد ناظر مکمل درست است و من این را رد می کنم چون در بعضی جاها آنها اصلاً ناظر نداشتند.

فیفا می‌گوید که آنها برای یافتن دلیل این چالش، بررسی هایی را در اطراف شماری از محلات ثبت نام انجام داده اند.

حضور کمرنگ زنان در پروسهٔ ثبت نام، نبود شرایط لازم در این زمینه از چالش های دیگری است که این نهاد ناظر به آن اشاره نموده است.

قرار معلومات مسؤولان کمیسیون انتخابات، برنامهٔ ثبت نام رأی دهندگان حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیون دالر آمریکایی هزینه خواهد داشت.

قرار است انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در ۱۶حمل سال آینده برگزار شود و مردم به پای صندوق هار رأی بروند و رئیس جمهوری آیندهٔ شان را انتخاب کنند.

آیا طالبان آدرس دیگری را خواهند...

با توجه به این شرایط که رهبری طالبان مشخص کرده است، ترکیه کشوری است که در افغانستان نیروی نظامی دارد و سعودی کشوری است که بعد از سال ۲۰۰۱ تعداد زیادی از طالبان را دستگیر و زندانی نموده است. پس از نظر طالبان این دو کشور هرگز نمی توانند میزبان مذاکرات صلح باشند.

از همان آغاز که نماینده گان طالبان به قطر رفتند، موضع حکومت افغانستان و حکومت پاکستان در ضدیت با دفتر قطر با هم نزدیک شد. پاکستان ملاآغا جان معتصم را به کابل فرستاد و حکومت افغانستان برای وی امکان اقامت در ترکیه را مساعد ساخت به این امید که در آینده در ترکیه بدیلی برای دفتر قطر ایجاد گردد.

این نکته کاملاً روشن است که سازمان های استخباراتی ترکیه و عربستان سعودی از زمان جهاد افغانستان، با آی اس آی برنامه های مشترک در افغانستان را دنبال می کردند که در دوران حاکمیت طالبان بر افغانستان نیز این روند ادامه یافت. نزدیکی بعضی از شخصیت های ازبیک تبار افغان با طالبان بخصوص جنرال ملک بعد از ۲۰۰۱، با هماهنگی میان آی اس آی و سازمان استخبارات ترکیه ممکن شد. مذاکرات میان ملا محمد غوث اخند وزیر خارجهٔ طالبان با جنرال ملک در شمال افغانستان در ۱۹۹۷ موجب سقوط کوتاه مدت مزارشریف گردید که وقایعی خونینی را بدنبال داشت. بنابراین سابقهٔ این وقایع خونین هم موجب می شود تا طالبان به نقش ترکیه بعنوان یک کشور بی طرف در وقایع افغانستان به نظر شک بنگرند.

حالا فرض را بر این می گذاریم که امریکا بخواهد دفتر قطر را ببندد و دفتری دیگر در عربستان سعودی یا ترکیه باز کند. آیا این کار به معنی از سر گرفتن روند مذاکرات خواهد بود و خواهد توانست به این مذاکرات تحرکی تازه ببخشد؟

تعویق مذاکرات در قطر به دلیل این نبود که مقامات قطر در مذاکرات میان امریکا و طالبان از طالبان حمایت می کردند بلکه دلیل آن این بود که قطر به خواست امریکا عمل کرد و بیرق و لوحهٔ امارت اسلامی طالبان را فرود آورد. بنابراین از نظر امریکا هیچ دلیلی برای انتقال این دفتر به کشوری دیگر وجود ندارد.

از طرف دیگر پروسهٔ صلح یک پروسهٔ یک جانبه نیست که یکطرف شرایط را به خواست خود تعیین نموده و آنرا به جانب دیگر تحمیل کند. اگر دفتر قطر به خواست امریکا به کشوری دیگر برده شود و طالبان به آنجا نروند، کار مذاکرات صلح افغانستان بیش از پیش به مضحکه شباهت خواهد یافت. بجای این کار، بهتر آن خواهد بود تا امریکا از دولت قطر بخواهد تا این دفتر را بصورت دایمی ببندد.

پی آمد این جریان برای قطر نیز بسیار ناگوار خواهد بود زیرا این کشور قبلاً در تلاشی نافرجام برای حل مشکل سوریه، شکست تلخی را تجربه کرده است. قطر که می خواهد در جریانات جهان اسلام نقشی مهمتر از سعودی ایفا نماید، شکست پروسهٔ صلح میان طالبان و امریکا برایش بسیار ناگوار خواهد بود به همین دلیل از زمانی که طالبان دفتر قطر را ترک کرده اند، قطر نگران این جریان است که می تواند شکست دوم دیپلوماتیک برای این کشور در حل یکی دیگر از قضایای جهان اسلام بشمار آید.

بنابراین روند مذاکرات قطر اکنون در جائی متوقف شده که نمی توان لااقل در دوران حکومت فعلی در افغانستان راه حلی برای آن پیشبینی کرد. زیرا امریکا نمی تواند هم طالبان را خُرسند نگهدارد و هم حکومت افغانستان را. اگر امریکا موفق گردد تا قرارداد امنیتی با رئیس جمهور کرزی را امضا نماید، دیگر ضرورتی به دفتر برای طالبان نه در قطر خواهد بود و نه در جائی دیگر. زیرا شرط اول طالبان که خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان است، عملاً رد خواهد شد و آنها نیز به جنگ تا آیندهٔ نامعلوم ادامه خواهند داد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم ۲۶ اسد ۱۳۹۲ ۱۰ شوال المکرم ۱۴۳۴ - 17 August 2013

د هیواد په بیلابیلو سیمو کې سیلابونه او زیانونه



زهیر

د اختر په ورځو کې د هیواد په ګڼو ولایتونو او بیلابیلو سیمو کې راوتو سیلابونو هیوادوالو ته ګڼ مالي او ځاني تاوانونه اړولي دي. افغانستان چې یو غرنی هیواد دی او ورښتونه هم پکې ډیر کیږي، لازمي ده چې کله د دغو ورښتونو کچه ډیره شي له ځانه سره سیلابونه تشکیلوي او ډیر ځلي دغه سیلابونه ګڼ مالي او ځاني زیانونه رامینځته کوي؛ بلکې د څو کلونو تجربو دا هم ښودلې چې د جنوبي اسیا هیوادونو د سیلابونو تسلسل افغانستان ته هم رانغوتی دی.

او د اسیا په منځنۍ او جنوبي برخو کې د اقلیم بدلون د وګړو د شمیر د زیاتوالي سره د لازیاتو سیلابونو لامل ګرځي؛ د څو کلونو راهیسي د جنوبي اسیا ختیځې برخې لکه پاکستان، بنګله دیش،اندونیزیا، سری لنکا او د هندوستان ډیرې سیمې د سیلابونو له زیانونو سره مخ کیږي، چې په لومړنیو کلونو کې دغو سیلابونو په سری لنکا، بنګه دیش او د پاکستان په سند ایالت او د پیښور په ځینو سیمو لکه مردان، نوښار، صوابۍ او چارسده کې یو ځل ډیر مالي او ځاني زیانونه اړولي وو او دوه کلونه مخکې یې ورته تلفات د افغانستان دننه په ننګرهار ولایت کې لرل؛ د چپرهار، روداتو، بهسودو او د جلال اباد جنوبي برخې سیلابونو ځپلې وې او د مالي تلفاتو تر څنګه زیات شمیر ځاني تلفات یې هم له ځانه سره لرل؛ دا ځل دا لړۍ له ننګرهار څخه را پورته ولایتونه واخستل لکه د سروبي، لغمان، کابل شمالي برخو، لوګر او وردګو په سیمو کې سږکال د سیلابونو زیاتوالي د سلو په شاوخوا کې ځمونږ د هیوادوالو ژوند واخیست؛ ځکه یواځې د شکردري او پغمان په سیمو کې یې دوه ویشت تنه، په ننګرهار کې نولس تنه او په وردګو کې اته تنه او پاتي نور د ځلوېښتو څخه تر پنځوسو په شاوخوا کې په سروبي او لغمان کې ځاني تلفات لرل، . چې په هر ولایت کې یې زیاتې زمکې او فصلونه هم خراب کړیدي. د شکردرې او پغمان په ګډون د وردګو په ولایت کې یې په زرګونه جریبه ځمګه ویجاړه کړي، فصلونه او نږدي زر سرونه مالونه یې یواځې په وردګو کې له ځانه سره وړي دي، چې ښایې د تجربې له مخې دغه لړۍ په راتلونکې کې همداسې مخ په شمال او لویدیځ ته نوره هم وغزیږي او راتلونکی کال د هیواد نورې برخې سیلاب وځپي او هیوادوالو ته مو ځاني او مالي زیانونه ورواړوي.

نو ځکه اړینه ده چې د طبیعي افاتو او حوادثو سره د مبارزې اداره خپل مسوولیت درک کړي او د حوادثو او طبیعي افاتو ته له مخکې څخه تیاري ولري. او هم د دولت اداري د سیلابونو د هغو عواملو د مخنیوي او لیرې کولو لپاره کوټلي ګامونه اوچت کړي چې لامله یې سیلابونه د لا زیاتو زیانونو را مینځته کوونکي ګرځي؛ د مثال په توګه د هیواد د بیا ابادۍ او ښارګوټو جوړولو په لړ کې خپلسري تصرفات او ابادۍ یا ښارګوټي جوړیدل، چې ډیر یې د سیلابونو په مسیرونوکې جوړ شوي دي، ددي لامل ګرځې چې سیلالونه د خپلو طبیعي مسیرونو پر ځای په ګڼ میشتو ابادیو ورشي؛ لکه چې دا کار دوه کاله وړاندې د جلال اباد په ښار کې رامینځته شو او سږ کال په سروبي کې هم رامینځته شوی دی. نو باید ښاروالي او اړونده اداري دغې ستونزې ته پاملرنه وکړي او نوي ښار ګوټي، صنعتي پروژې او په عامه توګه نوې ابادۍ په داسې توګه جوړې شي چې د سیلابونو مسیرونه یې په نظر کې ونیول شي او د سیلابونو په مسیرونو کې ښار ګوټي او ابادي جوړې نشي؛ ځکه دغه سیلابونه په نورو لوړیو مخه کوي او پخواني کلي، کورونه، باغونه، ځمکې او فصلونه له ځانه سره وړي.

همدارنګه د مودو راهیسي غښتي ویالې، نهرونه او سیندونه په ډیرو ځایونو کې له خپل پخواني وسعت څخه د ځینو عواملو پر بنیاد تنګ شوي دي، باید چې دغه کار ته هم پاملرنه وشي او د هغو په کیندلو او پراختیا ساتلو سره یې د سیلابونو د زیانونو مخه ونیول شي، همدارنګه له بلې خوا باید مرستندوي اداري د تلفاتو څخه د مخه مختلفو ولایتونو او سیمو ته خپلې مرستي ورسوي تر څو پر وخت سیلابونو ځپلو سره مرسته وشي.

نګاهی کوتاه به عیدی که گذشت

◇ مصباح شعیب

عید روزهای خوشی و سرور مسلمانان در سراسر جهان و افغانستان است، مسلمانان بعد از ادای فریضهٔ روزه، مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم جشن می گیرند، لباس های نو به تن می کنند، مصروفیت های روزمره را رها می نمایند، به دیدار اقارب و دوستان می روند و از مهمانان پذیرایی و استقبال می نمایند.

در عیدی که گذشت وضعیت امنیتی در سراسر کشور خوب بود اما دو حادثه – یکی انفجار ماین و دومی حوادث طبیعی – برخی خانواده ها را به ماتم نشاند که بر سایر شهروندان کشور نیز اثرات اش را داشته است. در یک حادثه، در روز اول عید، در اثر انفجار یک بمب در قبرستانی واقع در قریهٔ در ولسوالی غنی خیل ننگرهار نزدیک به چهارده غیر نظامی، که همگی زن و کودک بودند را به قتل رساندند. در این حادثه چهار غیر نظامی نیز زخم برداشته اند. گرما که نسبت به سال های پیش، در برخی نقاط کشور بیداد می کرد در کابل پایتخت کشور نیز در روزهای ماه مبارک رمضان و روزهای عید هوا گرم و نزدیک به چهل درجهٔ سانتی گراد می رسید، شهروندان کابل که در انتظار بارش باران بودند تا هوا رو بسردی بگراید، بعد از ظهر روز شنبهٔ گذشته که مصادف به روز سوم عید بود، بارندگی های شدید باران همراه با ژاله در مرکز کابل و برخی ولسوالی های آن، با سرازیر شدن سیلاب های مدهش به خصوص در کوهدامن و ولسوالی های شمال کابل بیش از بیست تن از هموطنان ما شهید شدند. اما سیلاب های اخیر – بعد از عید – در ولایات میدان وردک، لوگر، خوست، پکتیکا، کاپیسا و پروان نیز خساراتی به برخی باشندگان آن ولایات وارد کرد. به آنعده از هموطنان ما که در حوادث متذکره جان های شیرین شان را از دست دادند و آنانی که جراحت برداشتند و یا خانه و کاشانهٔ شان را از دست دادند و ضرر مالی متوجهٔ شان شده است، به کشته شده گان بهشت برین، به بازمانده گان شان صبر جمیل، به زخمی ها شفا و صحت یابی از بارگاه ایزد متعال مسئلت می نماییم.

و اما در برخی کشورهای دیگر اسلامی، در عراق، سوریه و سریلانکا در اثر درگیری های ذات البینی و انفجار چندین تن از مسلمانان در روزهای عید جان به جان آفرین سپردند. در عراق گزارش ها حاکی از آن بود که در اثر انفجارهای پی در پی در بغداد، بیش از ده ها تن کشته و صد ها تن دیگر زخمی شده اند. در کشور سریلانکا دسته ای از بودائیان افراطی شنبه شب هفتهٔ گذشته به مسجدی در کلمبو پایتخت آنکشور حمله ور شده، به قول رسانه ها، حد اقل پنج نمازگزار مسلمان را مجروح کرده اند. در حملهٔ بودایی های تندرو، به چندین خانهٔ مسلمانان نیز آسیب رسیده است. در درگیری های سوریه نیز تعدادی در روزهای عید کشته شده و یا جراحت برداشته اند.

در این عید صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح نیز طی پیامی عیدی، ضمن مبارکی، ماه مبارک رمضان را ماه صبر، استقامت، تحمل و همدیگر پذیری خوانده، گفته بود، « در آستانهٔ عید سعید فطر، خطاب مخالفین مسلح دولت یک بار می گویم که پیروزی مردم افغانستان در گرو امنیت این سرزمین است و با به خاک خون کشاندن این مردم، به جز اینکه بدبختی، کینه و شکل گیری حس انتقام جویی به میان آید، چیزی دیگری به دست نمی آید و جنگ و آتش افروزی فقط منافع دیگران را تامین می کند. لازم است که این حقیقت را درک کنید و در کنار مردم افغانستان برای شگوفایی و توسعهٔ این کشور توان تان را به مصرف برسانید.»

حامد کرزی رئیس جمهور نیز در پیام و سخنرانی عیدی اش، از طالبان مسلح خواست تا سلاح شان را به زمین گذاشته به پروسهٔ صلح بپیوندند. آقای کرزی در هر مناسبتی از طالبان و نیروهای مخالف مسلح دولت می طلبد تا سلاح شان را به زمین بگذارند، به پروسهٔ صلح بپیوندند، قانون اساسی افغانستان را بپذیرند و راه مذاکره را باز نمایند اما تا کنون طالبان به این گفته ها اعتنایی نکرده اند و دست از حمله های هراس افگنانه نکشیده اند.

مبارزه با مرض وبا در بدخشان باید جدی گرفته شود

◇ عنایت

روز یک شنبه تاریخ ۲۱ اسد خبر شیوع مرض انفلونزای (وبا) در ولسوالی درایم ولایت بدخشان از طریق رسانه ها پخش شد. این خبر از آن جهت تکان دهنده بود که اکثریت مبتلایان این مرض در بدترین شرایط صحی قرار داشتند.

گزارش‌ها می رساند که در اثر شیوع این بیماری یک نفر جان باخته و ۱۵۰۰ تن دیگر در وضعیت وخیم بسر می‌برند. مقام‌های محلی در بدخشان گفته اند که اگر مبارزه جدی برای جلوگیری این مرض صورت نگیرد، بدخشان شاهد یک فاجعهٔ انسانی می گردد. عبدالمعروف راسخ، سخنگوی والی بدخشان در تماس با رسانه ها گفته است که ۳۶ تن از کسانی که وضعیت‌شان وخیم گزارش شده، به شفاخانه شهر فیض‌آباد منتقل شده‌اند. آقای راسخ گفته که اوضاع نگران‌کننده است و والی بدخشان همراه با چندین تیم بهداشتی به ولسوالی درایم رفته اند. داکتر محبوب جلیلی سر گروه بهداشتی در تماس با مجاهد گفت که، اوضاع تحت کنترل درآمده، اما به طور کل خطر رفع نشده است.

به گفتهٔ او تاهنوز مشخص نیست که این بیماری «وبا» است یا نه، اما از نشانه‌های آن اسهال و استفراغ گزارش داده شده است. داکتر جلیلی می گوید که تحقیقات برای تشخیص این بیماری آغاز شده است.

محمد شریف شایق خبرنگار آزاد در بدخشان به مجاهد گفت که، مسؤولان در بدخشان واقعیت ها را انکار می کنند و اخلاق پاسخگویی را به مردم و رسانه ها ندارند. او می گوید کمک ها به محل واقعه سرازیر شده اما مشخص نیست که این کمک ها به صورت سالم در جهت محو مرض استفاده می شود یا خیر؟

ولسوالی درایم با زمین های هموار و وادی های حاصل خیز در شمال غربی بدخشان موقعیت دارد و بیشتر اقتصاد مردم متکی به زراعت و دام داری است. به گفتهٔ شایق خبرنگار آزاد در محل رخداد به دلیل بی برنامه گی و بی کفایتی مسؤولان اوضاع اقتصادی مردم خوب نبوده و از قلت آب صحی آشامیدنی مردم این منطقه رنج می برند.

به گفتهٔ دکتران این بیماری بیشتر از طریق آب توسط باکتریا «ویبریو کلرا» ایجاد می‌شود و سریعاً شیوع می‌یابد. هرچند بیماری وبا کشنده است، اما به آسانی قابل پیشگیری است. به گفتهٔ کارشناسان سازمان بهداشت جهانی بیماری وبا در صورتی که به سرعت درمان شود میزان مرگ و میر ناشی از آن اندک خواهد بود.